راز مرموز جنایت با چوب

تحقیقات پیرامون قتل یک مرد با ضربات چوب دستی آغاز شد. به‌گزارش «خبرجنوب» ، چند روز قبل، مأموران یکی از کلانتری های ممسنی در جریان جنایت هولناکی قرار گرفتند و راهی محل حادثه شدند. بررسی‌های اولیه حاکی از آن بود که در این جنایت مردی جوان با اصابت جسم سخت به قتل رسیده است.

با گزارش دادن ماجرا به بازپرس کشیک، وی همراه تیمی از کارآگاهان اداره آگاهی در محل جنایت حاضر شدند. مأموران در نخستین اقدام به تحقیق از شاهدان ماجرا پرداختند. یکی از شاهدان نخستین کسی بود که با این صحنه روبه‌رو شده بود. وی گفت: در حال عبور از این خیابان بودم که متوجه شدم یک نفر با چوب ضربه ای به سر وی زد. او غرق در خون روی زمین افتاد سپس به سمت ماشینش رفت و بار دیگر برگشت و پس از اطمینان از مرگ این شخص از محل متواری شد. با دیدن این صحنه به سرعت ماجرا را به پلیس خبر دادم.

کارآگاهان در ادامه به بررسی محل جنایت پرداختند. قربانی با ضربات چوب به قتل رسیده بود. بنابراین بلافاصله جسد قربانی به پزشکی قانونی منتقل شد.

تیم تحقیق در ادامه بررسی‌ها به پرس و جو از شاهدان ماجرا پرداختند. بررسی سوابق نشان می‌داد که قربانی با هیچ‌کس مشکلی نداشته است. مأموران که حدس می‌زدند جنایت با انگیزه ای نامعلوم صورت گرفته است، بررسی‌های خود را روی این انگیزه متمرکز کردند.

کارآگاهان که به‌صورت شبانه‌روزی سرگرم رسیدگی به این پرونده بودند در ادامه به سرنخ‌های خوبی دست یافتند که می‌توانست آنها را در کشف راز این جنایت هولناک یاری دهد. مأموران این بار به فردی مظنون شدند که تمامی سرنخ‌ها نشان می‌داد وی مرتکب قتل شده است. از این رو بار دیگر تحقیقات ویژه ای در این خصوص انجام تا اینکه ماموران پی بردند این مرد از مدت ها قبل با فردی اختلاف داشته است از این رو تحقیقات بر روی این موضوع متمرکز شد و سرنخ هایی به دست آمد که حکایت از جنایت با انتقام جویی داشت. با انجام اقدامات گسترده پلیسی و به دستور بازپرس جنایی تحقیقات به صورت ویژه انجام شد تا اینکه ماموران توانستند ردی از تنها مظنون جنایت به دست آورند در نهایت با جمع آوری دلایل و مدارک لازم ماموران در یک عملیات غافلگیرانه متهم به قتل را دستگیر کردند. گفتنی است تحقیقات پیرامون زوایای پنهان این جنایت ادامه دارد.

منزل مسکونی در آتش سوخت

آتش سوزی منزل مسکونی، با تلاش آتش نشانان دو ایستگاه مهار و خاموش شد.به گزارش سرویس خبری سازمان آتش نشانی ، وقوع این حادثه توسط همسایگان منزل مسکونی به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد که با هماهنگی ستاد فرماندهی آتش نشانی شیراز بی درنگ آتش نشانان ایستگاه های ۱۱و ۱۹ به سمت خیابان روزبهان حرکت کردند.

علیرضا عدلو سخنگوی سازمان آتش نشانی در این باره گفت : با رسیدن ناجیان آتش نشانی به محل حادثه مشاهده شد از پنجره های ساختمان مسکونی آتش و دود در حال زبانه کشیدن است و هر لحظه نیز بر حجم آن افزوده می‌شود.

وی افزود: آتش نشانان بلافاصله به دو گروه تقسیم شدند و گروه اول با قطع برق و گاز ساختمان به ایمن سازی محل پرداختند و گروه دوم با تجهیز خود به دستگاه تنفسی و با استفاده از لوله‌های آبرسانی، خود را به کانون آتش رسانده و همزمان به جستجو برای نجات افراد گرفتار شده احتمالی پرداختند که خوشبختانه هیچ یک از ساکنان ساختمان گرفتار و یا مصدوم نشده بود.

سخنگوی سازمان آتش نشانی با اعلام این که علت بروز این آتش سوزی از طرف کارشناسان در حال بررسی است، در ادامه ابراز داشت: آتش نشانان با تلاش فراوان موفق شدند این آتش سوزی را مهار کرده و از سرایت آن به اطراف جلوگیری کنند.

دام رمال اینترنتی برای فریب زنان

زن رمال که با راه‌اندازی یک کانال تلگرامی رمالی و فالگیری از مردم کلاهبرداری می‌کرد دستگیر شد.

چندی قبل خانمی ۳۱ ساله ساکن تهران با مراجعه به پلیس فتا از کلاهبرداری ۲۵ میلیون ریالی یک رمال و فالگیر در یکی از شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی شکایت کرد. وی گفت: در زندگی شخصی‌ام دچار مشکل و ناراحتی شدم و با بروز اتفاقاتی ناگوار و ناراحت‌کننده فکر کردم که زندگی‌ام را طلسم و جادو کرده‌اند به همین خاطر به‌دنبال راهی برای از بین بردن اتفاقات شوم و رهایی از ناملایمات زندگی‌ام بودم تا اینکه در یکی از شبکه‌های اجتماعی به یک صفحه دعانویسی و فالگیری برخوردم و ارتباط من با مدیر صفحه آغاز شد. مشکلات عدیده زندگی شخصی خود را برای او بازگو کردم، در ابتدا فرد دعانویس سؤالاتی از زندگی خصوصی من پرسید و من هم اعتماد کردم و به تمامی سؤالات او پاسخ دادم. مدیر کانال شروع به مشاوره و به قول خودش انرژی درمانی کرد من هم احساس می‌کردم که روحیه‌ام کمی بهتر شده غافل از اینکه نمی‌دانستم فالگیر در حال آماده کردن فضایی است که از من شروع به اخاذی کند. او برای هر بار مبالغی به‌عنوان دستمزد طلب می‌کرد که طی چند مرحله ۲۵ میلیون ریال برایش واریز کردم، اما بعد از گذشت چند روز، دیگر جواب پیامم را نمی‌داد و فهمیدم که ایشان کلاهبردار بوده و از احساسات و اعتماد من سوءاستفاده و کلاهبرداری کرده است.

سرهنگ تورج کاظمی – رئیس پلیس فتای تهران بزرگ– در ادامه گفت: پس از این شکایت موضوع در رصد کارآگاهان پلیس قرار گرفت و مأموران در تحقیقات و تجسس‌های خود توانستند هویت مدیر کانال را که یک زن ۳۴ ساله به نام حمیرا بود، در محله جیحون شناسایی کنند. متهم به دستور بازپرس دادسرای مبارزه با جرایم رایانه‌ای دستگیر و راهی پلیس فتا شد و به جرم خود اعتراف کرد.

پایان زندگی مخفیانه متهم به آدم ربایی

پسر جوان که به اتهام ربودن یک دختر، تحت تعقیب بود پس از یک سال به‌طور اتفاقی در یک مرکز خرید دستگیر شد. ۵ خرداد سال گذشته، حراست یکی از بیمارستان‌های تهران در تماس با پلیس از بستری شدن دختری که بشدت مجروح شده بود خبر داد. مأموران به بازجویی از دختر ۱۹ ساله به‌نام مینا پرداختند که گفت: در شرکتی مشغول به‌کار هستم و روز گذشته بعد از پایان کار، زمانی که به انتظار تاکسی در کنار خیابان ایستاده بودم خودرو پژویی مقابلم توقف کرد. راننده پسر جوانی به‌نام شهرام بود. او را می‌شناختم، درمشاور املاک کار می‌کرد و برای انجام کارهایش به شرکت ما می‌آمد.او از من خواست سوار ماشینش شوم تا مرا به خانه برساند. بعد از طی مسافتی ناگهان تغییر مسیر داد می‌خواست مرا برباید اما من شروع به سر و صدا کردم و درنهایت در خودرو را باز کردم و خودم را از ماشین به بیرون انداختم. احساس کردم تمام بدنم درهم شکسته و زخمی شده است. مرد عابری که در حال گذشتن از آنجا بود مرا به بیمارستان برد.

با شکایت دختر جوان، به دستور بازپرس جنایی بلافاصله مأموران راهی مغازه پسر جوان شدند اما مغازه بسته بود. در اقدام بعدی کارآگاهان به سراغ خانه شهرام رفته، اما خانه‌اش را نیز تخلیه کرده و رفته بود. بررسی‌ها برای دستگیری شهرام ادامه داشت تا اینکه بعد از یک سال، چند روز قبل مینا در یک مرکز خرید به طور اتفاقی شهرام را دید و با کمک مأموران انتظامی محل او را دستگیر کردند.

دختر جوان در تحقیقات گفت: برای خرید به پاساژ آمده بودم که ناگهان چشمم به شهرام افتاد. باورم نمی‌شد که بعد از یک سال اتفاقی او را دیده باشم.شهرام که توسط مأموران بازداشت شده بود در تحقیقات گفت: من فکر می‌کردم در آن حادثه مینا جان باخته است به‌همین خاطر از ترس خانه و مغازه‌ام را تخلیه کرده و متواری شدم.وی درباره روز حادثه گفت: با مینا در شرکتشان آشنا شدم. روز حادثه باهم قرار داشتیم تا به کافی شاپ برویم و باهم صحبت کنیم. او سوار ماشینم شد در بین راه ناگهان تلفنش زنگ خورد. بعد از قطع تماس رفتار مینا عوض شد. او شروع به داد و بیداد کرد و یک دفعه در ماشین را باز کرد و خود را از ماشین به بیرون انداخت.

به‌دنبال اظهارات پسر جوان، تحقیقات برای بررسی اظهارات شاکی و متهم ادامه دارد.

مرگ پسر ۷ ماهه پس از ختنه

مرد پرستار که پس از ختنه نوزاد ۷ ماهه در خانه باعث مرگ وی شده بود از سوی قاضی دادگاه جرایم پزشکی صددرصد مقصر شناخته شد.

اوایل اردیبهشت سال گذشته بود که پدر و مادر «امیرعباس» تصمیم گرفتند پسرشان را برای عمل ختنه نزد پزشک ببرند. از آنجا که این نوزاد زیبا تنها فرزند خانواده بود حساسیت زیادی برای این کار داشتند. امیرعباس در ۷ ماهگی تازه یاد گرفته بود به تنهایی روی شکم برگردد و با کمک دیگران چند دقیقه‌ای بنشیند. در حالی که والدینش دنبال پزشکی حاذق می‌گشتند یکی از اقوام آنها که پرستار بیمارستان بود و به قول خودش بیشتر بچه‌های فامیل را او ختنه کرده بود پیشنهاد داد تا این عمل را در خانه انجام دهد و به آنها اطمینان داد که هیچ خطری برای بچه ندارد.روز موعود سعید(پرستار) با یک کیف کوچک وسایل جراحی به خانه آنها آمد. نگرانی در چهره پدر و مادر امیرعباس موج می‌زد. به تجویز پرستار یک قاشق شربت خواب آور در دهان کودک ریختند و سپس مرد میانسال اطراف محل جراحی داروی لیدوکایین تزریق کرد. پسر کوچولو مدام گریه می‌کرد و مادر و پدرش نیز پا به پای او اشک می‌ریختند. چند دقیقه بعد عمل جراحی تمام شد اما ناگهان پسر کوچولو نفسش بند آمد. مادر با دیدن صورت کبود بچه‌اش بر سر و صورتش می‌کوبید و پدر مضطرب و نگران از سعید می‌خواست کاری بکند. اما پرستار مدام آنها را به آرامش دعوت می‌کرد و می‌گفت طبیعی است نگران نباشید! او حتی اجازه نمی‌داد آنها با اورژانس تماس بگیرند. اوضاع اما وقتی بدتر شد که ناگهان پسرک تشنج کرد و کف از دهانش بیرون ریخت. دیگر جای تعلل نبود، با اورژانس تماس گرفتند و «امیرعباس» به بیمارستان انتقال یافت. اما پزشکان نتوانستند نجاتش دهند و نوزاد به کما رفت و پس از چند روز تسلیم مرگ شد.

شکایت از پرستار

پدر «امیرعباس» پس از مرگ پسرش به دادسرای ناحیه ۱۹ تهران رفت و از «سعید» شکایت کرد. او به بازپرس شعبه ۴ گفت: «وقتی یاد وضعیت پسرم و ضجه‌های همسرم می‌افتم و به اصرارهای «سعید» به طبیعی بودن شرایط و ممانعت او از تماس با اورژانس فکر می‌کنم جگرم آتش می‌گیرد. نمی‌توانم از قصور او بگذرم و شکایت دارم.»به این ترتیب به دستور بازپرس، پرونده به کمیسیون پزشکی ارسال شد. کمیسیون اول با حضور سه کارشناس اوایل آبان تشکیل شد و اعضا پس از بررسی شواهد و مدارک و شنیدن اظهارات طرفین، «سعید» را به‌دلیل دخالت در امور پزشکی، صددرصد در مرگ «امیرعباس» مقصر دانستند. این پرونده با اعتراض متهم به کمیسیون دوم رفت و این بار نیز ۵ کارشناس پزشکی قانونی رأی قبلی را تأیید کردند.به این ترتیب کیفرخواست پرونده با موضوع قتل شبه عمدی صادر و برای رسیدگی به شعبه ۱۰۴۳ دادگاه کیفری ۲(مجتمع شهید قدوسی) به ریاست قاضی محبوب افراسیاب ارسال شد. جلسه دادگاه یک سال پس از مرگ نوزاد شیرخواره تشکیل شد. مادر «امیرعباس» که هنوز داغ فرزندش تازه بود، در حالی که گریه امانش نمی‌داد، خواستار مجازات عامل مرگ فرزندش شد. در ادامه متهم نیز توضیحاتی را ارائه کرد و گفت: من سال‌ها پرستار و تکنیسین بیمارستان بودم. نمی‌دانم چرا این اتفاق افتاد الان هم از این ماجرا خیلی متأثر هستم.قاضی پس از شنیدن اظهارات طرفین و بررسی مدارک، با استناد به نظریه کمیسیون پزشکی «سعید» را در مرگ طفل صد درصد مقصر شناخت و متهم را از جنبه عمومی جرم به ۲ سال حبس تعزیری و از جنبه خصوصی به پرداخت دیه کامل انسان محکوم کرد.

سرقت مسلحانه از خانه شوهر

زن جوان که با همدستی پسرعمویش سناریوی سرقت مسلحانه از خانه همسرش را اجرا کرده بود تحت تعقیب قرار گرفت. چند روز قبل مرد جوانی به پلیس مراجعه و راز سرقت مسلحانه از خانه‌اش را برملا کرد. او گفت: دو روز قبل از محل کارم که مغازه‌ای در بازار است به خانه آمدم اما همسرم در خانه نبود. در حال استراحت بودم که صداهایی شنیدم. چشمم را که باز کردم همسرم مهرنوش و پسر عمویش بهزاد را بالای سر خود دیدم. او اسلحه کلتی به دست داشت و با تهدید از من خواست بلند شوم.مرد ۳۰ ساله ادامه داد: خیلی ترسیده بودم، بهزاد اسلحه را به‌دست مهرنوش داد و به او گفت اگر من کوچکترین حرکتی کردم شلیک کند. بعد هم دست و پای مرا بست. سپس کلید گاوصندوق را از جیب من درآورد و هر چه پول و طلا داخل آن بود، برداشت. در تمام این مدت نیز مهرنوش اسلحه به دست بالای سر من ایستاده بود.وقتی بهزاد گاوصندوق را خالی کرد، اسلحه را از دست مهرنوش گرفت و از او خواست لیوان آبمیوه را بیاورد. آنها جلوی روی خودم داخل آبمیوه تعداد زیادی داروی بی‌هوشی ریختند. بعد هم از من خواستند که آبمیوه مسموم را بخورم. من ممانعت کردم و بهزاد هم به زور دهان مرا باز کرد و آن را داخل دهانم ریخت. بعد از آن دیگر چیزی متوجه نشدم. وقتی به هوش آمدم دو روز گذشته بود. به سختی خودم را از میان طناب‌ها رها کردم.مرد جوان به کارآگاهان گفت: همسرم قبل از ازدواج با من، نامزد پسرعمویش بود اما به خاطر مخالفت خانواده هایشان نتوانستند ازدواج کنند.

با شکایت مرد جوان، پرونده‌ای در دادسرای ویژه سرقت تشکیل شد و تحقیقات در رابطه با دستگیری زن جوان و پسرعمویش ادامه دارد.

زن چهارم در دادگاه به داد شوهرش رسید

مرداد سال گذشته مردی درحالی‌که به‌دلیل شدت ضربات چاقوی وارده بر بدنش بیهوش شده بود، به بیمارستان منتقل شد.

با اینکه ضربات متعددی بر بدن این مرد وارد شده بود، پزشکان با چند عمل جراحی موفق به نجات او شدند. این مرد بعد از بهبودیافتن به پلیس مراجعه کرد و گفت: من راننده مسافرکش هستم و در شمال تهران کار می‌کنم. دو برادر به نام‌های شاهین و کامبیز که در آن منطقه هستند به من حمله کردند و کتکم زدند تا ماشینم را سرقت کنند؛ آنها سوئیچ ماشین را از من می‌خواستند اما مقاومت کردم. در این اثنا مردی به نام سبحان که دو سارق اول پدر و عموی او هستند؛ از راه رسید و با ضربات چاقو من را زد.

بعد آنها متوجه شدند سوئیچ روی ماشین است. این‌طور بود که با خودروی من فرار کردند.

مأموران خانه پدری سبحان را پیدا و خودروی مسروقه را کشف کردند. پدر سبحان گفت: من نمی‌دانم این ماشین متعلق به چه کسی است و پسرم آن را آورده است. پدر سبحان بعد از چند جلسه بازجویی گفت: پسرم وقتی این ماشین را آورد گفت آن را سرقت کرده است و باید چند روزی ماشین در خانه بماند و بعد آن را بفروشند. برادرم قرار بود برایش مشتری پیدا کند.

به این ترتیب پدر و عموی سبحان دستگیر شدند و مأموران با ردیابی‌هایی که انجام دادند موفق به بازداشت سبحان نیز شدند.

سبحان ابتدا به سرقت اعتراف کرد اما بعد آن را منکر شد. با توجه به مدارک به‌دست‌آمده کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۸ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. متهم روز گذشته برای محاکمه به دادگاه منتقل شد. بعد از اینکه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و خواستار مجازات متهم با توجه به سوابق متعدد او شد، شاکی در جایگاه قرار گرفت. او گفت: سبحان به من چاقو زد و من به‌دلیل سرقت ماشین و چاقویی که به من زده است، از او شکایت دارم.

در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت او اتهام خود را رد کرد و مدعی شد در زمان سرقت خودرو در تهران نبوده و به همراه همسر چهارمش به سفر رفته است. متهم گفت: من به‌دلیل شرایط بد خانوادگی خیلی زود ازدواج کردم. همسراولم به‌دلیل فشارهای خانواده من را ترک کرد. بعد از جدایی با دختر دیگری آشنا شدم و با او ازدواج کردم، این ازدواج هم سرانجام نداشت و از هم جدا شدیم. بعد با زن دیگری ازدواج کردم با او هم چندسالی زندگی کردم، ولی زندگی‌مان به بن‌بست رسید، در همه این موارد خانواده‌ام مقصر بودند؛ آنها هیچ‌وقت از من حمایت نکردند.

پدر و عمویم مخالف من بودند و کارهایی می‌کردند که زندگی من خراب شود، آنها مدام به من تهمت می‌زدند، هر اتفاقی می‌افتاد من را مقصر می‌دانستند و می‌خواستند خرابکاری‌هایشان را من جمع‌وجور کنم.

این اختلاف‌ها باعث شد که من از پدرم و عمویم جدا شوم و مدتی بود که با آنها زندگی نمی‌کردم تا اینکه با زنی به نام رؤیا آشنا شدم. رؤیا همان زن آرزوهایم بود؛ مثل سه زن قبلی‌ام نبود.

به صورت موقت با او ازدواج کردم تا اگر شرایط خوب بود و اخلاق‌مان به هم می‌خورد به صورت دائمی ازدواج کنیم. مدتی که با هم زندگی کردیم، هر دو مطمئن شدیم می‌توانیم با هم ادامه بدهیم و زندگی خوبی داشته باشیم. برای همین تصمیم گرفتیم با هم ازدواج دائم کنیم. به شمال رفتیم تا چند روزی خوش بگذرانیم و بعد از برگشت به تهران من رؤیا را عقد دائم کنم. وقتی شاکی چاقو خورد و ماشینش سرقت شد من شمال بودم و اصلا تهران نبودم.

پدر و عمویم این کار را کردند تا من را به دام بیندازند. آنها درباره من دروغ گفته‌اند. حتی به شاکی هم دروغ گفته‌اند که من او را با چاقو زده‌ام. همسر موقتم در دادگاه هست و می‌تواند شهادت بدهد.

در ادامه، قضات از رؤیا خواستند در جایگاه قرار گیرد. او گفت: من و سبحان صیغه شفاهی خوانده بودیم و با هم زندگی می‌کردیم، قرار بود بعد از اینکه از شمال برگشتیم با هم به صورت دائم ازدواج کنیم. ما در آن تاریخ شمال بودیم. من هم فکر می‌کنم برای سبحان پاپوش دوخته‌اند، چون او گفته بود با پدر و عمویش اختلاف دارد. درحال‌حاضر هم عمو و پدرش که متهم در این پرونده هستند و با وثیقه آزاد بودند، فرار کرده‌اند.

در پایان وکیل مدافع متهم در جایگاه قرار گرفت و دفاعیات خود را مطرح کرد. در پایان هیات قضات برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

صدور حکم اعدام برای سرکرده باند تمساح خلیج فارس

کشف و ضبط بیش از ۶۰ منزل مسکونی و بالغ بر ۲۵ میلیارد ریال

حکم محکومیت سرباند بین المللی مواد مخدر معروف به تمساح خلیج فارس به همراه هفده تن از اعضای شبکه سازمان یافته او صادر شد.

دامنه فعالیت این باند سازمان یافته مواد مخدر فراتر از ایران بوده و اقدامات مجرمانه آن‌ها از کشورهای پاکستان و افغانستان آغاز و با عبور از پهنه زمینی و دریایی استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان به عمق سرزمینی ایران به ویژه استان‌های فارس، تهران و آذربایجان کشیده می‌شد.

این باند در عرض دو سال فعالیت خود موفق شده بود بیش از چهارصد تن مواد مخدر به کشور وارد نماید که خوشبختانه در پی هوشیاری دستگاه‌های نظارتی و امنیتی، بسیاری از این محموله‌ها کشف و ضبط شد.

این باند بین المللی با استفاده از راهکارهای پولشویی، بسیاری از وجوه درآمدی حاصل از معاملات مواد مخدر را به اراضی، املاک و مستغلات در اقصی نقاط کشور تبدیل نموده است که بسیاری از این اموال نامشروع، شناسایی و به نفع دولت ضبط شد.

از این باند سازمان یافته تعداد زیادی املاک زراعی، بیش از شصت منزل مسکونی، چندین فروند شناور صیادی از قبیل: لنج و قایق، شانزده دستگاه انواع خودرو، شش قبضه اسلحه شکاری و بالغ بر ۲۵ میلیارد ریال وجه نقد کشف و ضبط شد.

سرباند این شبکه سازمان یافته قاچاق مواد مخدر که از سوی رسانه‌های مختلف با عنوان تمساح خلیج فارس و مواردی از این دست مطرح شده، یکی از بزرگترین سوداگران مرگ و قاچاقچیان مواد مخدر از طریق دریا می‌باشد.

تمساح خلیج فارس توانسته بود یکی از بزرگترین شبکه‌های قاچاق و توزیع مواد مخدر در ایران، افغانستان و پاکستان را راه‌اندازی کند و خود نیز به عنوان سرکرده این سازمان و شبکه پیچیده در چهره‌های مختلف و پوشش‌های گوناگون در این کشورها فعالیت نماید.

از سوی دادگاه انقلاب اسلامی بندرعباس برای دو تن از سرکردگان باندتمساح خلیج فارس به علت مدیریت و سردستگی باند قاچاق سازمان یافته واردکننده مواد مخدر به کشور، حکم اعدام صادر شده که پرونده آن‌ها در صورت تجدیدنظرخواهی به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد. ۱۶ نفر از متهمین دیگر این پرونده نیز در مجموع به تحمل حبس و جزای نقدی محکوم شده‌اند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول انجمن صنفی کارگری رانندگان تریلر و کامیون سبک و سنگین شهرستان فیروز آباد

به اطلاع می رساند جلسه مجمع عمومی انجمن صنفی فوق درساعت ۱۶ روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۸/۳/۳۰ با دستورجلسه ذیل دربولواربهشتی کوچه ۱۵ ساختمان اول برگزار می گردد.

۱ – انتخاب بازرس اصلی و علی البدل به مدت ۱ سال

۲ – ارائه بیلان مالی

ازاعضا محترم جهت حضوردرمجمع دعوت به عمل می آید. همچنین داوطلبان اعضا تقاضای کتبی خود را یک هفته قبل اززمان برگزاری مجمع به دفترانجمن تحویل نمایند.

مهدی صادقی – هیأت مدیره انجمن

یوسف قاسمی – وحید صادقی «۷۲۹-۴»

دعوت نامه مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم شرکت تعاونی پس انداز و تأمین مسکن مهر محلی اقلید به شماره ثبت ۴۸۷

جلسه مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مذکور رأس ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۹۸/۳/۱۳ در محل حسینیه حضرت ابوالفضل (ع) عصار اقلید تشکیل می گردد. از جنابعالی دعوت می شود درجلسه مذکور حضور بهم رسانید و یا با مراجعه به دفتر شرکت یا دفاتراسناد رسمی وکیل یا نماینده خود را کتبا جهت حضوردرمجمع و اعمال رأی معرفی نمایند. تعداد آرای وکالتی هر عضو حداکثر ۳ رأی و هر شخص غیرعضو تنها ۱ رأی خواهد بود.

دستور جلسه:

تصمیم گیری در خصوص انحلال شرکت

رئیس هیأت مدیره «۷۰۳-۱۴»

آگهی مزایده عمومی

مرکز توانبخشی و نگهداری معلولین ذهنی شبانه روزی امیرالمؤمنین(ع) خیریه مردمی این شهرستان در نظر دارد تالار پذیرایی آبشار و باغ مربوط به آن واقع در کیلومتر ۵ جاده فسا – شیراز را برای مدت یک سال از طریق مزایده عمومی به بالاترین مبلغ پیشنهادی اجاره دهد.

متقاضیان می توانند جهت دریافت اوراق و شرایط مزایده و تکمیل و تحویل اوراق مربوطه، از تاریخ درج آگهی به مدت هفت روز به آدرس: فسا، خیابان بهزیستی کوچه شماره ۱۶، مرکز نگهداری معلولین ذهنی امیرالمؤمنین(ع) مراجعه نمایند.

تلفن تماس: ۰۷۱۵۳۳۳۵۱۱۲ و ۰۷۱۵۳۳۳۵۱۱۳

هیأت‌مدیره مرکز توانبخشی ونگهداری ذهنی امیرالمؤمنین(ع) خیریه مردمی شهرستان فسا «۷۲۸-۱۷»

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول شرکت تعاونی پس انداز و تأمین مسکن مهر محلی اقلید به شماره ثبت ۴۸۷

جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول رأس ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۹۸/۳/۱۳ درمحل حسینیه حضرت ابوالفضل(ع) عصار اقلید تشکیل می گردد. از کلیه اعضا دعوت می شود درجلسه مذکور حضور بهم رسانند و یا با مراجعه به دفتر شرکت یا دفاتر اسناد رسمی وکیل یا نماینده خود را کتبا جهت حضوردرمجمع و اعمال رأی معرفی نمایند. تعداد آرای وکالتی هر عضو حداکثر ۳ رأی و هرشخص غیرعضو تنها ۱ رأی خواهد بود. داوطلبان سمت هیأت تصفیه موظفند ظرف یک هفته از تاریخ انتشارآگهی به دفترشرکت مراجعه و فرم داوطلبی را تکمیل نمایند.

دستور جلسه:

بررسی و تصویب صورت های مالی تا پایان روز درخواست انحلال

انتخاب اعضای هیأت تصفیه برای مدت دو سال

بررسی و تصویب آیین نامه پاداش اعضای هیأت مدیره و بازرس تعاونی

رئیس هیأت مدیره «۷۰۳-۱۵»